

سیرتاریخی حدیث در خوزستان و نقش محدثان آن در گسترش حدیث

هادی حجت^۱
عبدالرضا رسایی^۲

چکیده

خوزستان به عنوان دروازه ورود اسلام به ایران یکی از مناطق تاثیرگذار در تاریخ و پژوهش های حدیثی در ایران به شمار می رود. در این پژوهش سیرتاریخی حدیث در خوزستان، از زمان پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - تا پایان دوره صفوی، در سه دوره متقدمان (پنج قرن اول)، میانی (قرن ششم تا قرن نهم) و متأخران (دوره صفوی) بررسی شده است. بیشتر این محدثان متعلق به دوره متقدمان اند؛ دوره ای که در آن شمار محدثان اهل سنت فراوان تر گزارش شده است. در دوره میانی تعداد محدثان، به ویژه شیعیان کاهش یافته و در عصر متأخران با ظهور حکومت سادات مشعشعی در خوزستان و به دنبال آن حکومت صفوی در ایران، مجدداً تلاش های حدیثی رونق گرفت. این محدثان (بیشتر، محدثان شیعه با دو گرایش اخباری و اصولی) منشأ خلق آثار ارزشمندی در موضوعات مختلف حدیثی، همچون: مجموعه های حدیثی، رجال، فقه الحدیث، تفسیر روایی و غیره بودند. کلید واژه ها: محدثان خوزستان، تاریخ حدیث، کتب حدیثی.

درآمد

سیرتاریخی حدیث در مناطق خاص و شناخت شخصیت های حدیثی منتسب به آن مناطق، از جمله حوزه های مطالعاتی است که در طول تاریخ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این مناطق - که در ورود اسلام و علوم اسلامی به ایران ورشد و بالندگی این

۱. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث.

۲. کارشناس ارشد رشته علوم حدیث.

علوم، از جمله حدیث نقش داشته - منطقه خوزستان است. محدثان نامی زیادی در این خطه متولد شده و یا بخشی از زندگی علمی خود را در این خطه گذرانده‌اند. خوزستان نام سرزمینی که در آغاز دوره اسلامی منطقه وسیعی را شامل می‌شده و در گذشته، از چند شهرستان بزرگ یا «کوره» تشکیل شده و هر کوره، چند شهر و شهرک و آبادی در اطراف آن داشته است. مقدسی (ق ۴) این اقلیم را مشتمل بر «هفت خوره» (سبع الکوره) می‌داند: شوش، جندی شاپور (بین شوشتر و دزفول کنونی به سمت کوهستان)، نَسْتَر (شوشتر)، عَسْكَرٌ مُكْرَم،^۳ اهواز، رَاهُزْمُر، دَوْرَق^۴ (شادگان، هندیجان و ماهشهر کنونی). در دوره‌های مختلف، با تغییر حکومت‌ها، گاهی شهر و منطقه‌ای به خوزستان ملحق و گاهی از آن جدا گردیده است. به هر حال، در این نوشتار مراد از خوزستان منطقه جغرافیایی کنونی است که منطقه لرستان از آن جدا شده و آبادان و بهبهان به آن افزوده شده‌اند.

نکته دیگر، این که خوزستان، قبل از اسلام به همین نام خوانده می‌شده و اهواز از مهم‌ترین شهرهای آن بوده است. عرب‌ها، هنگام ورود اسلام به ایران، به تمام خوزستان، اهواز می‌گفته و به شهر اهواز، سوق الأهواز می‌گفتند. تا مدت‌ها اهواز به جای خوزستان به کار می‌رفت و پس از آن خوزستان و اهواز به معنای شناخته شده امروزی و در جای خود به کار رفته‌اند.^۵ بنا بر این، اگر محدثی در آن زمان اهوازی خوانده می‌شده، ممکن است ساکن اهواز کنونی بوده یا ساکن شهری دیگر از استان خوزستان باشد؛ چنان که به علی بن مهزیار - که ساکن هندیجان، از توابع دَورق بوده - دَورقی و اهوازی می‌گفتند.

دوره‌های حدیثی خوزستان

بر اساس میزان فعالیت محدثان، به خصوص محدثان شیعه، تاریخ حدیث خوزستان را می‌توان به سه دوره زمانی «متقدمان، میانی و متأخران» تقسیم کرد. دوره متقدمان با ورود اسلام به خوزستان و فعالیت محدثان شیعه و سنی آغاز و تا پایان قرن پنجم - که

۳. عَسْكَرٌ مُكْرَم شهری از نواحی خوزستان منسوب به مُکرم بن معز الحارث (معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۲۳ - ۱۲۴). مقدسی در این باره می‌نویسد: حجاج بن یوسف را غلامی بود به نام «مکرم». چون او با سپاهش در اینجا فرود آمد و او را خوش آمد، مردم به گردش فرا آمده، ساختمان‌ها ساختند. پس «عسکر مکرم» نام گرفت (احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ج ۲، ص ۶۱۲).

۴. احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ج ۲، ص ۶۰۵ - ۶۰۶.

۵. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۸۴ - ۲۸۵: الأنساب، ج ۱، ص ۲۳۱.

کتب اولیه و جوامع حدیثی شیعه شکل گرفت - ادامه یافت. حدیث در دوره میانی - که از اول قرن ششم تا پایان قرن نهم است - با رکود مواجه شده و فعالیت اکثر محدثان، به ویژه محدثان شیعه کاهش یافت. دوره متأخران با آغاز قرن دهم و ابتدای حکومت صفویه شروع شده و تا پایان عصر صفوی (سال ۱۱۳۵ق) ادامه داشت. در این دوره از فعالیت محدثان اهل سنت به شدت کاسته شد و حدیث در میان عالمان شیعه دوباره به رونق افتاد. در این نوشتار، ضمن معرفی هر دوره، در خلال بحث‌ها، نقش برجسته محدثان را در گسترش حدیث بیان می‌کنیم.

الف. متقدمان

در این دوره به ورود اسلام به خوزستان، اهمیت خوزستان در گسترش اسلام و تشیع، مذاهب، و وضعیت حدیث و تأثیرگذاری محدثان خوزستان در پنج قرن اول خواهیم پرداخت.

۱. خوزستان دروازه ورود اسلام به ایران

در زمان عمر سپاهی از مداین و سپاهی از بصره به سوی خوزستان روانه شد و پس از چند مرحله نبرد، سپاه ایران به فرماندهی هرمزان شکست خورد و هرمزان اسلام اختیار کرد. سپاهیان ایرانی در شوشتر با شنیدن این خبر تسلیم شده و اسلام را پذیرفتند. پس از آن، شوش و جندی شاپور، بدون جنگ، تسلیم شدند و مسلمانان توانستند در سال هفدهم هجری بر تمام خوزستان مسلط شوند؛ گرچه برخی مورخان فتح خوزستان را در سال بیستم هجری می‌دانند. در پی آن، شهرهای ایران، یکی پس از دیگری، به تصرف مسلمانان درآمد و ایرانیان اسلام اختیار کردند. بنا بر این، خوزستان دروازه ورود اسلام به ایران گردید. هم‌جواری با بصره - که بسیاری از صحابه و شخصیت‌های بزرگ اسلامی و لشکریان اسلام در آن جا ساکن بودند - نیز بر اهمیت آن می‌افزود. خوزستان از آغاز ورود اسلام با محدثان و شخصیت‌های برجسته جهان اسلام در ارتباط بوده و پس از حجاز و عراق (کوفه و بصره)، پایگاه مهمی در گسترش حدیث و ترویج فرهنگ اسلامی محسوب می‌شد.

۲. مذاهب خوزستان

با جست و جو در منابع تاریخی درمی‌یابیم که از آغاز ورود اسلام به خوزستان، اعتقاد به تشیع و اهل بیت - علیهم السلام - در این سرزمین رواج داشته است. در زمان خلافت

۶. البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۹۵ - ۱۰۰؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۳، ص ۱۵۷ و ۱۶۹ و ۱۹۸؛ فتوح البلدان، ج ۲، ص ۴۶۴؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۷۴ - ۱۷۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۸۶.

امیرالمؤمنین - علیه السلام - که کوفه مرکز خلافت و تشیع گردید، تشیع در خوزستان و دیگر نقاط ایران رو به فزونی نهاد. نزدیکی خوزستان به کوفه نسبت به دیگر بلاد اسلامی و ارتباط داشتن محدثان و بزرگان خوزستان با ائمه - علیهم السلام - به گسترش روز افزون تشیع در خوزستان منجر شد.

در دوره بنی امیه فشار بر شیعیان و موالی (مسلمانان غیر عرب) افزایش یافته و بنی امیه بصره و خوزستان را مرکز مهمی برای خود در مقابل کوفه قرار دادند. طبیعی است که شیعیان در این ایام آزادی نداشته و در تقیه می‌زیستند. با ظهور بنی عباس و رو به زوال نهادن حکومت اموی، شیعیان آزادی بیشتری یافتند. برخی از شاگردان امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - از خوزستان برخاسته، در استحکام و گسترش مذهب شیعه نقشی چشمگیر داشتند.

در این ایام شاهد ارتباط حضوری یا مکاتبه اهالی خوزستان با امامان - علیهم السلام - هستیم. نامه عبد الله نجاشی، حاکم اهواز به امام صادق - علیه السلام -^۷ و نیز نامه آن حضرت به وی^۸ و نامه مردم اهواز به امام هادی - علیه السلام - در باره جبر و اختیار و پاسخ امام - علیه السلام -^۹ نمونه‌ای از این ارتباطات است.

در این دوره بسیاری از مردم خوزستان مذهب شیعه داشتند تا جایی که مستشرق آدم متز، بجز خوزستان و قم، تمام ایران را سنی مذهب می‌داند. وی نصف مردم خوزستان را شیعه دانسته است؛^{۱۰} گرچه شیعیان خاص بیشتر در اهواز ساکن بودند. در قرون اولیه، مردم خوزستان علاوه بر تشیع، پیرو مذهب کلامی معتزله بودند و معتزله در برخی عقاید با شیعه مشترک بوده و در برخی مسائل جانب شیعه بوده‌اند.^{۱۱}

مقدسی (ق ۴) در *احسن التقاسیم* نصف اهواز آن عصر را شیعه و بقیه آن را به ترتیب فراوانی حنفی و مالکی می‌داند. در شوش، علاوه بر حنبلی‌ها عده‌ای حنبلی^{۱۲} مذهب

۷. *وسائل الشیعة*، ج ۱۷، ص ۲۰۷، به نقل از الغیبة، شهید ثانی.

۸. *الکافی*، ج ۲، ص ۱۹۰ - ۱۹۱؛ *الإختصاص*، ص ۲۶۰.

۹. *الإحتجاج*، ج ۲، ص ۴۵۰؛ *بحار الأنوار*، ج ۵، ص ۹۵؛ *مستدرک الوسائل*، ج ۷، ص ۲۵۴؛ *فهرستگان نسخه‌های خطی*، ج ۴، ص ۸۷.

۱۰. *هویه التشیع*، ص ۸۶.

۱۱. *اعیان الشیعة*، ج ۱، ص ۲۰۲.

۱۲. حتی گروهی از عرفا بوده‌اند که بنا بر اصول گنوسیزم هند و ایرانی «کردار نیک» را منحصر به حق الناس می‌دانسته، عبادت‌های اندامی را منافی «تنزیه خدا» می‌شمرده، رقص و سماع و محبت و دوستی خدا را بهتر از هر عبادت اندامی می‌دانستند (پاورقی کتاب، *احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، ج ۲، ص ۶۰۴).

بودند.^{۱۳} شهرهای رامهرمز، دورق، عسکر مُکرم، جندی شاپور و شوش، بیشتر حنبلی مذهب بودند؛ گرچه در رامهرمز انواع فرقه‌ها و مذاهب رواج داشت. مردم شوشتر و برخی از مردم جندی شاپور پیرو ابوحنیفه و شافعی بودند. تمام عسکر و بیشتر اهواز و رامهرمز و دورق و برخی از مردم جندی شاپور معتزلی بودند.^{۱۴}

در این دوره برخی از محدثان در منصب‌های حکومتی بودند و در پیشرفت اسلام و تشیع نقش ویژه‌ای داشتند. عبدالله نجاشی (قرن ۲) جدّ هشتم ابوالعباس نجاشی (صاحب کتاب رجال)، - که از شاگردان و ارادتمندان امام صادق - علیه السلام - در این دیار بود - از طرف منصور عباسی حاکم اهواز گردید.^{۱۵} خاندان تنوخی در خوزستان و دیگر نقاط اسلامی منصب قضاوت داشتند و خدمات فراوانی به تشیع نمودند. حسن بن مفضل بن سهلان رامهرمی و حسن بن حمد مهلبی از وزیران قدرتمند آل بویه از مردم خوزستان بودند و همواره از شیعه و محدثان آن حمایت کرده و زمینه رشد تشیع را فراهم می‌آوردند.^{۱۶} امام رضا - علیه السلام - در تابستان سال دویست هجری به اهواز وارد شد و پس از اهواز، به منطقه اربق (اربک) رامهرمز رسید و در کنار پل آن توقف کرد و مردم از او حدیث شنیدند. پس از آن از راه استخر فارس و یزد و کویر به خراسان رسید.^{۱۷}

۳. تعداد محدثان و کتب آنان

از ابتدای ورود اسلام تا پایان دوره صفوی نام حدود ۳۵۰ محدث از خوزستان در کتب رجال و تراجم ثبت شده است که نزدیک به بیست درصد آنان صاحب کتاب بودند. بیشتر محدثان خوزستان در دوره متقدمان می‌زیستند و محدثان اهل سنت در این دوره از شیعیان فراوان‌تر بوده که حاکمیت اهل سنت بر این منطقه دلیل اصلی این فراوانی است. از ابتدا تا آخر دوره صفوی حدود ۶۵۰ عنوان کتاب (اعم حدیثی و غیر حدیثی) برای محدثان خوزستان ثبت شده است. نزدیک به نیمی از این کتاب‌ها (حدود ۳۱۰ کتاب) در دوره متقدمان نوشته شده که بیش از شصت درصد از آنها را محدثان شیعه نگاشته‌اند. بیشتر کتب نوشته شده این دوره در موضوعات غیر حدیثی است.

۱۳. همان، ج ۲، ص ۶۲۰.

۱۴. همان.

۱۵. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۹، ص ۹۵؛ نیز رک: رجال البرقی، ص ۲۲؛ رجال الکشی، ص ۳۴۲ - ۳۴۳؛ رجال النجاشی، ص ۲۱۳؛ حلی، پیشین، ص ۲۳۶.

۱۶. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۸۲؛ اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۵ - ۳۱۶.

۱۷. مسند الامام الرضا - علیه السلام -، ج ۱، ص ۵۵ - ۵۶.

۴. حدیث در مرحله آغازین

سلمان فارسی رامهرمزی (م حدود ۳۳ق) اولین محدث خوزستانی است. سلمان را برخی اهل منطقه جی اصفهان دانسته‌اند، اما در صحیح البخاری، سلمان از مردم رامهرمز معرفی شده است.^{۱۸} ابن اثیر (م ۶۳۰ق)^{۱۹} و ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق)^{۲۰} و ابن عبد البر (م ۴۶۳ق) رامهرمزی بودن سلمان را ترجیح می‌دهند و بعد از این که سلمان را دارای اصالتی رامهرمزی می‌دانند، می‌گویند: «و گفته‌اند که سلمان از اصفهان بوده است». حتی ابن عبد البر قریه جی را بخشی از رامهرمز می‌داند.^{۲۱} در کتب اربعه شیعه چهارده حدیث به واسطه سلمان نقل شده است که در بحار الانوار تعداد آنها بیشتر است و مضمون آنها بیشتر در باره قرآن، ولایت، علم پیامبر و امام علی - علیهما السلام - و زهد و... است. از سلمان فتوایی در باره صید نقل شده که در کتب فقهی موجود است.^{۲۲} در منابع روایی اهل سنت نیز شصت حدیث از سلمان نقل شده است.^{۲۳}

وی مجموعه‌ای از احادیث امیرالمؤمنین - علیه السلام - را با نام حدیث جاثلیق جمع‌آوری کرده که شرح حال مناظره کاتولیک رومی با ابو بکر و امام علی - علیه السلام - است.^{۲۴} حدود هفتاد حدیث در موضوع تفسیر آیات قرآن از سلمان گزارش شده است. سلمان در تسلیم شدن مردم مداین با گفت و گو و بدون جنگ و نیز در طراحی و ساخت شهر کوفه نقشی اساسی داشت.^{۲۵}

نامه نگاری با امامان و دریافت جواب آنان نیز از نوشته‌های اولیه این دوره است که معمولاً در موضوعی خاص بود. نامه عبدالله نجاشی (قرن ۲) والی اهواز به امام صادق - علیه السلام - و پاسخ ایشان با نام الأهوازیه در موضوع فقه و اخلاق از این نوشته‌هاست. شهید ثانی همه متن این نامه را در کشف الریبه آورده است.^{۲۶}

۱۸. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۷۰.

۱۹. أسد الغابة، ج ۲، ص ۳۲۸.

۲۰. الاصابه، ج ۳، ص ۱۱۹.

۲۱. الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۳۴.

۲۲. الکافی، ج ۶، ص ۲۰۴؛ التهذیب، ج ۹، ص ۲۴؛ السنن الکبری، ج ۹، ص ۲۳۷.

۲۳. الأعلام، ج ۳، ص ۱۱۲.

۲۴. الامالی، ص ۲۱۸ - ۲۲۱؛ الفهرست، ص ۸۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۵۴ - ۵۷؛ الذریعه، ج ۶، ص ۳۷۶؛ موسوعة طبقات

الفقهاء، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲۵. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۶، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۵۴؛ تاج التراجم فی طبقات الحنابله، ص ۳ - ۴؛ سلمان

فارسی، ص ۱۷۱.

۲۶. کشف الریبه، ص ۸۶ - ۹۶.

محدثان شیعه حدود چهارصد اصل در دوران ائمه نگاشته‌اند که برخی از کتب فضالة بن ایوب (ساکن اهواز)،^{۲۷} حسن و حسین بن سعید اهوازی از این اصول بودند. تک نگاشته‌های فقهی با عناوین الصلاة، الوضو، الإجازات، الحج و... در این دوره رایج شد. بیشتر کتب حسن و حسین بن سعید اهوازی و علی بن مهزیار اهوازی از این قبیل‌اند. علاوه بر این کتب، تک نگاری‌های اخلاقی تربیتی، با عناوینی همچون فضایل المؤمنین، زهد، تجمل و مروت به وجود آمده که حسن و حسین بن سعید اهوازی و علی بن مهزیار از نویسندگان معروف این کتب به شمار می‌روند. آنان همچنین در موضوع کلام، کتاب *الرد علی الغلاة* و در موضوع دعا، زیارت و فضایل، کتب *الدعا، المزار، المناقب و المثالب* را نوشته‌اند.^{۲۸}

فضالة بن ایوب را از اصحاب اجماع دانسته‌اند.^{۲۹}

۵. سامان دهی و نظم کتب اولیه

محدثان، از ابتدای قرن سوم، علاوه بر نگاشته‌های موضوعی، به نظم دهی مجموعه‌های پیشین همت گماشتند که حاصل این تلاش به وجود آمدن کتب مسند در اهل سنت و کتب سی‌گانه (ثلاثین) در شیعه بوده است. مسند سهل بن عثمان عسکری (م ۲۳۵ق)، مسند ابوهریره ابراهیم بن حرب (زنده ۲۸۲ق) و مسند ابراهیم بن عبدالله کجی (م ۲۹۲ق) - او را منسوب به کج یا زیرکج (منطقه‌ای در خوزستان) می‌دانند^{۳۰} - از این نوشته‌هاست. در شیعه، حسن بن سعید اهوازی (زنده در ۲۲۰ق) و برادرش حسین (زنده در ۲۵۴ق) اولین کسانی هستند که نوشتن کتب سی‌گانه را با موضوعات غالباً فقهی آغاز کردند^{۳۱} و محدثان دیگری همچون علی بن مهزیار اهوازی (م حدود ۲۵۴ق) به دنبال آنها به تألیف این نوع کتب روی آورده و در واقع، مقدمات جامع‌نویسی را در شیعه فراهم کردند. *الفقه المکمل یا الکامل علی بن محمد بن جعفر بن عنبسه حداد عسکری* (قرن ۳) نیز در این سبک نوشته شده است.^{۳۲}

حسین بن سعید و علی بن مهزیار علاوه بر نوآوری در تألیف کتب سی‌گانه با نقل

۲۷. رجال النجاشی، ص ۳۱۱.

۲۸. همان، ص ۵۸ و ص ۲۵۳.

۲۹. رجال الکشی، ص ۵۵۶.

۳۰. معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۳۸.

۳۱. رجال النجاشی، ص ۵۸ - ۶۰؛ الفهرست، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.

۳۲. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

حدود ۵۵۰۰ روایت در کتب حدیثی معروف شیعه و نقل بیش از پانصد روایت تفسیری در کتب تفسیر، نقش مهمی را در جامعه اسلامی در گسترش تفسیر قرآن و حدیث ایفا کردند و مکتب حدیثی قم به همت افرادی همچون حسین بن سعید پایه‌گذاری شده است.

از نیمه دوم قرن سوم به بعد، ارزیابی رجال حدیث و توثیق و تضعیف آنها گسترش یافته که به پیدایش کتب رجالی انجامید. کتاب *من روی من نشأ من آل اُبی طالب*، از ابوالحسن علی بن محمد بن جعفر بن عنبسه حداد عسکری (قرن ۳) ^{۳۳} ظاهراً اولین کتاب رجالی نوشته شده در خوزستان است.

از این زمان به بعد، به ارزیابی حدیث توجه بیشتری می‌شود. بنا بر این، طریقه تحمل حدیث، شیوخ و اساتید حدیثی و به طور کلی سند حدیث مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد. محدثان برای دریافت حدیث صحیح از شیوخ معتبر رنج سفر را بر خود هموار کرده و به نقاط مختلف جهان اسلام سفر می‌نمایند. ابراهیم بن عبدالله کجی (م ۲۹۲ق) از رجال حدیث است. استادی و معروفیت او در حدیث به درجه‌ای رسید که در بغداد حدود چهار هزار نفر دوات به دست احادیث او را می‌نوشتند. ^{۳۴}

۶. عصر شکوفایی حدیث

محدثان، از اواخر قرن سوم، در جداسازی احادیث صحیح از ضعیف تلاش‌های گسترده‌ای انجام داده که نتیجه آن پدیدار شدن کتب صحیح بود. از طرفی به کتب حدیثی فقهی گذشته نظم بیشتری داده و کتب منظم جدیدتری با نام سنن و جامع به وجود آورده‌اند. کتاب *السنن ابراهیم بن عبدالله کجی* (م ۲۹۲ق) از جمله کتب نوشته در این مرحله است. ^{۳۵}

محدثان، در این مرحله، برای دسترسی به شیوخ و اساتید معتبر سفرهای زیادی انجام می‌دادند. عبدان اهوازی (م ۳۰۶ق) از رجال بوده و برای دیدن یکی از شیوخ بصره هیجده بار به آن جا سفر کرده است. او یکصد هزار حدیث حفظ داشته و علمای اهل سنت از روایاتش استفاده زیاد کرده‌اند. حسن بن سعید مطوعی (م ۳۷۱ق) و حسن بن علی مقری (م ۴۴۶ق) برای دریافت حدیث و قراءات معروف سفرهای زیادی نموده‌اند. برخی

۳۳. *رجال النجاشی*، ص ۲۶۲. آقا بزرگ تهرانی، نام کتاب *را من روی من نساء آل اُبی طالب* نقل کرده است (*الذریعه*، ج ۲۲، ص ۲۲۸، ش ۶۸۲۲).

۳۴. *تاریخ بغداد*، ج ۶، ص ۱۱۹ - ۱۲۲؛ *معجم المؤلفین*، ج ۱، ص ۱۵۵؛ *الغدیر*، ج ۱، ص ۸۹.

۳۵. *معجم المؤلفین*، ج ۱، ص ۵۵.

محدثان، همچون ابن ابی علی اصفهانی، برای نامور شدن به جای رنج سفر کشیدن و استفاده از اساتید معتبر به جعل سند پرداخته و گفته‌های خود را به شیوخ معروف نسبت می‌دادند.^{۳۶}

ابن خلّاد رامهرمزی (م حدود ۳۶۰ق) با نوشتن کتاب *المحدث الفاضل* اولین اثر در مصطلح الحدیث را تدوین کرد. در این دوره سبک جدیدی از نوشته با عنوان «اجازه» دیده می‌شود که در آن اساتید حدیث، اجازه نقل مرویات شفاهی و کتبی خود را به شاگردان مورد اعتماد می‌دهند. فارس بن سلیمان ارجانی (قرن ۴) اجازه نقل آثار خود را به ابوالعباس بن نوح، استاد نجاشی داده است. او به شیوه اهل سنت چند مسند از اصحاب ائمه - علیهم السلام - را جمع آورد که *مسند بهلول* و *مسند جعیفان* از جمله آنهاست.^{۳۷}

دایر کردن مدارس و مجالس تدریس قرآن و حدیث و ادبیات نیز در این دوره به چشم می‌خورد. ابو احمد عسکری (م ۳۸۲ق) در شوشتر و عسکر مکرّم مدرسه حدیثی ادبی بر پا کرد و شاگردان زیادی از سراسر جهان اسلام از محضر او بهره‌مند می‌شدند. ابوعلی مقری اهوازی (م ۴۴۶ق) در دمشق مدرسه قرآن و حدیث دایر کرد. او گرایش سالمیه داشت و از آثار او اطلاعات مفیدی از مکتب سالمیه به دست می‌آید.^{۳۸}

در این دوره گرایش محدثان به نگارش در تاریخ و سیره و فضایل بیشتر شد. مناقب مالک، فضائل مدینه نوشته محمد بن احمد شوشتری (م ۳۴۵ق)^{۳۹}، اخبار فاطمه الزهراء - سلام الله علیها -، نوشته احمد بن محمد صولی (زنده ۳۵۳ق)^{۴۰}، *الریحاتین الحسن والحسین*، نوشته ابن خلّاد رامهرمزی،^{۴۱} *نشوار المحاضرة والمستجد من فعات الأمجاد*، نوشته قاضی محسن تنوخی (م ۳۸۴ق)^{۴۲} از دیگر کتب نوشته شده در این سبک است.

از ویژگی‌های دیگر این دوره ظهور محدثانی بزرگ با گرایش ادبی بوده است. حسن بن عبدالرحمان بن خلّاد رامهرمزی (م حدود ۳۶۰ق) در کتاب *امثال الحدیث*، مثل‌های حدیثی پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - را جمع آوری کرده و به شرح واژه‌های مشکل آن

۳۶. تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۶۸۸ - ۶۸۹؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۱۶.

۳۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۷۳ - ۷۴؛ رجال النجاشی، ص ۳۱۰.

۳۸. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۶ - ۱۴۹؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۱۴۳ ت ۱۴۹.

۳۹. الاعلام، ج ۵، ص ۳۱۰.

۴۰. الذریعه، ج ۱، ص ۳۴۳.

۴۱. فهرست ابن ندیم، ص ۱۷۲.

۴۲. الذریعه، ج ۲۱، ص ۲.

می‌پردازد. در آسیب‌شناسی احادیث ابواحمد عسکری (م ۳۸۲ق) *تصحیفات المحدثین* را نوشته و در آن اشتباهات محدثان را در اسناد و متون حدیثی بر طرف می‌کند. این دواثر منتشر شده است.

کتاب‌های اخلاقی نیز توسعه یافته و کتبی با عناوین جدید، همچون *الحث علی طلب العلم* ابوهلال عسکری و *الفرج بعد الشدة* قاضی محسن تنوخی به وجود آمده‌اند. این کتاب کامل‌ترین کتاب نوشته شده در موضوع گشایش بعد از سختی بوده که بعدها افراد دیگری در این سبک دنباله‌روی بودند.^{۴۳}

خاندان تنوخی - که با قاضی علی تنوخی بزرگ شروع می‌شوند - از فقها و محدثان بزرگ بوده که در خوزستان و عراق و شام مقام قضاوت داشته و خدمات فروانی به اسلام، به خصوص مذهب تشیع نموده‌اند. آنان در اشعار خود اهل بیت - علیهم السلام - را در مقابل خلفای عباسی مدح می‌نمودند که بیان حادثه غدیر در شعر قاضی تنوخی بزرگ از این‌گونه اشعار است.^{۴۴}

ب. دوره میانی

در این دوره به وضعیت حدیث و محدثان و مذهب تشیع از آغاز قرن ششم تا پایان قرن نهم در خطه خوزستان خواهیم پرداخت.

۱. وضعیت حدیث و محدثان

در این دوره حدیث شیعه با نوعی رکود همراه بوده و بعد از شیخ طوسی و آثار جامع و ارزشمند او محدثان، چندان نیازی به گردآوری حدیث احساس نکرده و در کارهای خود معمولاً از او تقلید می‌کردند. فعالیت علما و محدثان اهل سنت از شیعه بیشتر بود و در این دوره بیشتر به کارهای جانبی و تکمیلی پرداخته‌اند. آنان سعی کردند کتب حدیثی پیشین را برای مردم آسان کنند. بنا بر این، سبک‌های جدیدی در تألیف کتب حدیثی به وجود آوردند. موضوع بندی و طبقه بندی احادیث و رجال به صورت الفبایی، شرح کردن کتب پیشین و حاشیه نوشتن بر آنها، خلاصه کردن، جمع‌آوری کتب حدیثی و فقهی در کتاب جامعی فرائر، اربعین نویسی و غیره از سبک‌های نوشتاری این دوره است.

در خوزستان نیز سیر تطور حدیث بر همین منوال است. در این دوره آثار تألیفی از

۴۳. *کشف الظنون*، ج ۲، ص ۱۲۵۳.

۴۴. *الغدیر*، ج ۳، ص ۳۷۷ - ۳۸۷.

محدثان شیعه دیده نمی‌شود، ولی محدثان اهل سنت همچنان به فعالیت خود در عرصه حدیث و فقه ادامه می‌دهند. در این دوره دو محدث بزرگ از اهل سنت از مذاهب شافعی و حنبلی برخوردار شده و ۲۸ کتاب در موضوعات مختلف در حوزه مذهب خود نگاشته‌اند. محمد بن اسعد شوشتری (م بعد از ۷۳۰ق) از علمای شافعی بوده که در بلاد مختلف اسلامی به تدریس پرداخته و در گسترش مذهب شافعی نقشی اساسی داشته است.^{۴۵} نصرالله بن احمد شوشتری (م ۸۱۲ق) در فقه حنبلی به مقام فتوا و درجه استادی رسیده، در مدارس بغداد و قاهره مجلس تدریس و فتوا داشته و حنا بله از نقاط مختلف از محضر او استفاده می‌کردند. محدثان بعدی، همچون ابن حجر عسقلانی از آثار او استفاده فراوان نموده‌اند.^{۴۶}

شرح کتب فقهی حدیثی گذشته و حاشیه و تعلیق نویسی بر کتب پیشین از ویژگی‌های بارز این دوره است. محمد بن اسعد شوشتری، بیشتر از بقیه، بر کتب حدیثی تعلیق و حاشیه نوشته و نکات مفید و ارزشمندی از آنها استخراج کرده است. شرح الغایه القصوی، مجمع الدرر فی شرح المختصر نوشته محمد بن اسعد بدرالدین شوشتری (م بعد از ۷۳۰ق)،^{۴۷} حاشیه بر تنقیح زکشی و حاشیه بر فروع ابن مفلح، نوشته نصرالله بن احمد شوشتری حنبلی، معروف به جلال بغدادی (۷۳۳-۸۱۲ق) از جمله این شروح و حواشی هستند.

۲. تشیع در دوره میانی

در اوایل قرن هشتم سید نجم الدین محمود حسینی مرعشی آملی از مازندران به شوشتر می‌آید. او با دختر بزرگ سادات شوشتر ازدواج کرده و در آن جا ساکن می‌شود. با هدایت و ارشاد او عده زیادی از مردم شوشتر به شیعه گرویده و تشیع در شوشتر رو به فزونی می‌نهد.^{۴۸}

در قرن نهم سید محمد بن فلاح موسوی مشعشی (م حدود ۸۷۰ق)، شاگرد احمد بن فهد حلّی (م ۸۴۱ق) به هویزه آمد و به تبلیغ مذهب تشیع پرداخت. او در هویزه حکومتی

۴۵. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۱۰۶۵-۱۰۶۶.

۴۶. الضوء اللامع فی اعیان القرن التاسع، ج ۲، ص ۲۹۴ و ج ۵، ص ۱۰۵؛ انباء الغمر بآبناء العمر، ج ۱، ص ۳۶۵؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۹، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۴۷. انباء الغمر بآبناء العمر، ج ۱، ص ۴۷۴؛ طبقات الشافعیه، ص ۱۲۹؛ کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۱۹۲؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۱۰۶۵-۱۰۶۶؛ الدرر، ج ۲۰، ص ۱۳۳ و ۱۵۴؛ معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۴۷؛ الاعلام، ج ۶، ص ۳۲؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۴۸.

۴۸. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۹۹.

شیعی مشعشعی را بنیان نهاد و کم کم راه غلو در پیش گرفته و خود را مهدی خوانده و تمام خوزستان را به زیر سلطه خود در آورده است. بعدها فرزندان او، حکومتش را گسترش داده و تا بغداد و مناطق مرکزی ایران پیشروی کردند. با به وجود آمدن این حکومت، تشیع در خوزستان گسترش یافته و محدثان شیعه با آزادی بیشتر به فعالیت می پرداختند. در این دوره هنوز عموم مردم از مکتب اصیل اهل بیت - علیهم السلام - اطلاع چندانی نداشته و احکام فقهی شیعه در سطحی گسترده اجرا نمی شده است. با ظهور نورالله بن محمد شاه شوشتری، تحولی اساسی در حدیث و فقه شیعه در خوزستان پدید آمده که در دوره متأخران به آن خواهیم پرداخت.^{۴۹}

ج. دوره متأخران (دوره صفوی)

در این بخش وضعیت حدیث و محدثان خوزستان را در دوره صفوی؛ یعنی از آغاز قرن دهم تا سال ۱۱۳۵ هجری قمری مورد بررسی قرار می دهیم. محدثان شیعی خوزستان، در این دوره، رو به افزایش نهاده و در مقابل، محدثان اهل سنت کاهش یافتند. به وجود آمدن حکومت شیعی سادات مشعشعی در خوزستان و به دنبال آن، حکومت صفوی در ایران، عامل اصلی رشد و ترقی حدیث شیعه در خوزستان بوده است.

محدثانی مانند علی بن احمد بن محمد ابی جامع از جبل عامل شام به خوزستان آمده و به فعالیت پرداختند. به برکت این مدارس، در هویزه و دورق، سادات مشعشعی و خاندان ابی جامع و دیگر محدثان سالها در خوزستان و دیگر نقاط اسلامی به حدیث و تشیع خدمت کرده و آثار ارزنده ای به وجود آوردند. مدرسه آل ابی جامع در قرن یازدهم از مهم ترین این مدارس است.^{۵۰}

در هویزه و دورق و شوشتر کتابخانه های فراوانی دایر شده و در آن جا علاوه بر تألیف، نسخه های نایاب خطی نسخه برداری و نگهداری می شده است.

۱. وضعیت حدیث در دوره متأخران

با به وجود آمدن حکومت های شیعی در خوزستان و به دنبال آن در تمام ایران، شیعیان خود را از سلطه حاکمان متعصب سنی رهانیده و در گسترش فرهنگ تشیع و جبران عقب ماندگی های گذشته به تکاپو افتادند؛ محدثان افزایش یافتند و به حفظ میراث گرانقدر

۴۹. همان، ج ۶، ص ۳۳۰ - ۳۳۱؛ ج ۱۰، ص ۳۸ - ۳۹.

۵۰. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۸۳؛ مجله تراننا، ج ۲۶، ص ۱۸۳.

شیعه و گسترش اسلام شیعی پرداختند.

در این دوره حدود یکصد و پنجاه محدث در منابع مختلف معرفی شده‌اند که ۲۹ نفر از آنان صاحب کتاب و نوشته بودند. این محدثان - که همه شیعه بوده‌اند - حدود ۳۲۰ اثر در زمینه‌های مختلف دینی، ادبی و علوم دیگر نوشته‌اند. با بررسی این آثار در می‌یابیم که محدثان این دوره در تألیف آثار خود دو هدف عمده را دنبال کردند:

۱. حفظ میراث ارزشمند شیعه و دفاع از مکتب اهل بیت - علیهم السلام - در مقابل دشمنان؛

۲. به روزرسانی و آسان نمودن آموزه‌های دینی برای عموم مردم.

محدثان برای تحقق این دو هدف مهم به جمع‌آوری نسخه‌های قدیمی پرداخته و از آنها نسخه برداری کردند؛ برکتب چهارگانه و دیگر کتب حدیثی رجالی شیعه شرح و حاشیه نوشته و به ارزیابی احادیث و رجال آنان پرداختند. نوشتن جوامع فراگیر حدیثی رجالی، اربعین نویسی، تألیف کتب جدید در موضوعات مختلف، شرح احادیث خاص، نوشتن کتاب به زبان‌های فارسی، عربی و اردو از دیگر فعالیت‌های این دوره است. با نگاهی دقیق به حدیث و فعالیت محدثان و نوع نگرش آنان در تبیین این دو هدف، می‌توان محدثان را به دو دوره با دو نوع نگرش اصولی و اخباری^{۵۱} تقسیم کرد. در این تقسیم‌بندی جنبه غالب لحاظ می‌شود و در هر دوره به سیر حدیث و فعالیت‌های حدیثی و نقش محدثان در گسترش اسلام خواهیم پرداخت.

۲. دوره اصولیان

این دوره با نورالله بن محمد شاه (م ۹۲۵ق) شروع شده و مهم‌ترین شخصیت حدیثی آن، قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ق) نوه او است. نورالله بن محمد شاه بنیانگذار مکتب فقهی اصولی شیعه در خوزستان بود. او در شوشتر مدرسه فقهی حدیثی بنیان نهاد و به ترویج احکام دین و مکتب اهل بیت - علیهم السلام - پرداخت تا جایی که مردم شوشتر مذهب خود را در مقابل شیعه مشعشعی، مذهب نوراللهی می‌خواندند.^{۵۲}

۵۱. اصولی به کسی می‌گویند که مبنا و منبع احکام شرعی را قرآن، سنت، اجماع و عقل می‌داند و احادیث را به چهار دسته صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌کند. در مقابل، اخباری به کسی می‌گویند که عقل و اجماع و به دنبال آن اجتهاد و اصول را در صدور حکم قبول ندارد و فقط احادیث را معتبر شمرده و ظاهر قرآن را نیز اگر با حدیث تأیید شود، معتبر می‌داند. آنها همه احادیث کتب اربعه را معتبر دانسته و عقل را در ارزیابی آنان ناتوان می‌داند (رک: اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۲ - ۲۲۴).

۵۲. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۰، ص ۲۹۶ - ۲۹۷؛ فیض الإله فی ترجمه القاضی نورالله، ص ۱۱۲ - ۱۱۶.

در حوزه حدیث و رجال، چند کتاب نوشته شده که اجازه و اربعین عبدالله بن محمود شوشتری (م ۹۹۷ق)، تهذیب الأکمام (شرح تهذیب الأحکام شیخ طوسی)، حاشیه بر خلاصه الأقوال علامه حلی و رساله فی وضاعی الحدیث، نوشته قاضی نورالله مرعشی حسینی شوشتری (۹۹۲ - ۱۰۲۰ق) از این جمله به شمار می‌روند.

بیشتر آثار این دوره در فقه و اصول و کلام و فضایل نوشته شده‌اند. خاندان ابی‌جامع به فقه و شرح کتب فقهی مثل اللمعه علاقه مند بودند.^{۵۳}

در کلام - که حدیث از دستمایه‌های اصلی آن به شمار می‌رود - کتب ارزشمندی نوشته شده که بیشتر آنها در موضوع امامت و فضایل اهل بیت - علیهم السلام - است. عبدالله بن محمود شوشتری (م ۹۹۷ق) با علمای ماوراء النهر مناظره کرده و کتاب امامت را برای آنان نوشت که بعدها به خاطر همین کتاب از یک‌ها او را دستگیر و به شهادت رساندند.^{۵۴} قاضی نورالله شوشتری، ملقب به شهید ثالث (م ۱۰۱۹ق) با ناصبی‌ها، اشعری‌ها، اخباری‌ها و دیگر علمای مذاهب مختلف مناظره می‌کند و در دفاع از شیعه و امامت کتاب می‌نویسد. احقاق الحق، الصوارم المحرقه و مصائب النواصب از مهم‌ترین این کتاب‌هاست.^{۵۵}

مجالس المؤمنین، کتاب دیگر قاضی نورالله در تاریخ و سیره شیعیان معروف امیر المؤمنین - علیه السلام - نوشته شده که به دفاع از شیعه و سابقه تشیع پرداخته است. این کتب قاضی نورالله آن‌چنان در جهان اسلام مهم و تأثیر گذارند که علامه مجلسی خواندن مجالس المؤمنین و احقاق الحق را بر هر شیعه‌ای لازم می‌داند.^{۵۶}

۳. دوره اخباریان

در این دوره گرایش به نقل روایات و اخبار زیاد می‌شود و محدثان در جمع‌آوری و نقل روایات تلاش‌های گسترده‌ای انجام می‌دهند. بنا بر این، اگر ما محدثانی را در این دوره قرار دادیم، منظور این نیست که عقل و اجتهاد را کنار گذاشته و فقط به ظاهر احادیث بسنده می‌کنند، بلکه مراد این است که اخباری‌گری در این دوره شکل گرفته و محدثان کم و بیش تحت تأثیر آن قرار گرفتند.

۵۳. امل الآمل، ج ۱، ص ۱۱۱؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۱۶۴ - ۱۶۵.

۵۴. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۵۴.

۵۵. فیض الإله فی ترجمه القاضی نورالله، ص ۹ - ۴۴؛ اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

۵۶. رک: فیض الإله فی ترجمه القاضی نورالله، ص ۵۲ - ۵۵.

این دوره با ورود عبدالله بن حسین شوشتری (م ۱۰۲۱ق) به اصفهان شروع می‌شود. او از طرف شاه عباس اول، امام جمعه و جماعت اصفهان می‌گردد. او را شیخ طایفه امامیه در عصر خود خوانده‌اند که تمام عمرش را صرف فقه و حدیث نمود. بیشتر محدثان و علمای برجسته بعدی به نوعی از او تأثیر پذیرفته‌اند. مصطفی تفریسی بیشتر مطالب کتاب رجالش را مدیون او می‌داند. محدثان معروفی چون محمد تقی مجلسی و عنایه الله قهپایی در محضر او علم آموختند.^{۵۷} عبداللطیف جامعی (م ۱۰۵۰ق)، خلف بن عبدالمطلب (م ۱۰۷۴ق) و سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۱۲ق) از مهم‌ترین محدثان این دوره‌اند که به ترتیب، گرایش آنان به اخباری‌گری افزایش می‌یابد.

در حوزه حدیث، شرح و حاشیه بر کتب اربعه از مهم‌ترین فعالیت‌های این دوره است. *نزهة الإخوان* سید نعمت الله جزایری و حاشیه عوض بن حیدر شوشتری (م ۱۱۱۳ق) بر *روضه الکافی*، حاشیه عبدالله بن حسین شوشتری (م ۱۰۲۱ق)، شرح عبداللطیف جامعی (م ۱۰۵۰ق)، حاشیه علاء الدوله شوشتری (م ۱۰۸۰ق)، *مقصود الأنام* و خلاصه آن به نام *غایه المرام* و مختصر آن با نام *کنز الطالب*، نوشته سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۱۲ق) در شرح *تهذیب الأحکام*، حاشیه عبدالله بن حسین شوشتری (م ۱۰۲۱ق) بر *الاستبصار*، *جامع الأخبار فی ایضاح الاستبصار* عبداللطیف جامعی و شرح *الاستبصار* عبدالرشید شوشتری (م ۱۰۷۸ق)، از جمله این شروح و حواشی به شمار می‌روند. عبداللطیف در شرح *الاستبصار* خود تقسیم‌های چهارگانه حدیث را به صحیح، حسن، موثق و ضعیف قبول ندارد و معتقد است که محدثان متأخر با این تعریف تعداد زیادی از احادیث را کنار گذاشته‌اند.^{۵۸} سید نعمت الله جزایری کتب حدیثی دیگری را نیز شرح کرده که *انس الوحید* (شرح *توحید صدوق*)، *لوامع الأنوار* (شرح *عیون أخبار صدوق*)، *قاطع اللجاج* (شرح *الأحتجاج طبرسی*) و شرح *صحیفه سجادیه* از جمله این شروح هستند.

سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۱۲ق) بزرگ‌ترین محدث خوزستان و یکی از بزرگ‌ترین عالمان حدیث و فقه شیعه به شمار می‌رود که با نوشتن بیش از پنجاه کتاب فقهی حدیثی و دیگر کتب دینی و ادبی خدمات ارزنده‌ای برای جهان تشیع انجام داده است. او شاگرد برجسته علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق) بود و در نوشتن *بحار الأنوار* و *مرآة العقول* او را یاری کرده است. سید نعمت الله شیخ الاسلام شوشتری بوده و در آن جا سی مدرسه و کتاب‌خانه‌ای

۵۷. امل‌الآمل، ج ۲، ص ۱۵۹؛ *عیان الشیعه*، ج ۸، ص ۴۸.

۵۸. تکملة امل‌الآمل، ص ۲۷۲.

بزرگ با بیش از چهار هزار جلد کتاب دایر کرده و بر بیشتر کتب اصلی شیعه شرح و حاشیه نوشت و یا آنها را نسخه برداری کرد. شوشتر در زمان او یکی از مراکز مهم علمی جهان اسلام به شمار می‌رفت.^{۵۹}

نوشتن کتب بزرگ حدیثی در فضایل اهل بیت - علیهم السلام - و دفاع از مذهب تشیع از دیگر سبک‌های نوشتاری این دوره است. *برهان الشیعه والحجة البالغة* در اثبات امامت امام علی - علیه السلام - و خلافت او، *فخر الشیعه* در فضایل امیر المؤمنین - علیه السلام -، *خیر الکلام* در اثبات دوازده امام - علیهم السلام -، *سیف الشیعه* در اوصاف و اعمال دشمنان ائمه - علیهم السلام -، *المودة فی القربی* در فضیلت حضرت زهرا و دیگر اهل بیت - علیهم السلام - و *سفیة النجاة فی فضائل ائمة الهداة*، نوشته خلف بن عبدالمطلب هویزی (م ۱۰۷۴ق) از کتب مهم حدیثی است که در آنها از احادیث شیعه و سنی و قرآن و دلایل عقلی نیز استفاده شده است. *نور المبین* سید علی خان بن خلف (م ۱۰۸۷ق) در فضیلت و اثبات امامت امیر المؤمنین - علیه السلام - و *ریاض الأبرار* سید نعمت الله جزایری در فضائل امام علی، حضرت زهرا و امام زمان - علیهم السلام - از دیگر کتب بزرگ حدیثی این دوره است.

شرح موضوعی برخی احادیث از فعالیت‌های دیگر این دوره است. *البلاغ المبین*، نوشته خلف بن عبدالمطلب هویزی (م ۱۰۷۴ق) در نقل و شرح احادیث قدسی پیامبران گذشته و پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله وسلم -، *نکت البیان* در شرح آیات و احادیث مشکل، *احادیث پزشکی فیض الله* عصاره (زنده ۱۰۸۷ق)، *جواب اعتراضات جرجانی* در باره حدیث غدیر، *شرح حدیث اسماء*، نوشته سید علی خان بن خلف هویزی (زنده ۱۰۸۷ق)، *نور الأخبار* سید نعمت الله در شرح احادیث عجیب و غریب، *شرح حدیث رجاء بن ضحاک* از امام رضا - علیه السلام - در باره نماز، از جمله این فعالیت‌های حدیثی است.

شرح و حاشیه بر کتب رجال پیشین و نوشتن آثار جدید در رجال و طبقات نیز در این دوره دیده می‌شود. *حاشیه بر رجال ابن داوود* از عبد الله بن حسین شوشتری (م ۱۰۲۱ق)، *حاشیه بر خلاصة الأقوال* از مساعد بن بدیع (زنده ۱۰۷۴ق)، *حاشیه بر نقد الرجال* تفریسی و *حاشیه تکمله بر أمل الآمل* از سید نعمت الله جزایری، *طبقات الرجال* عبداللطیف جامعی، *محفل فردوس علاء الملک* شوشتری (م ۱۰۵۰ق)، *رسالة التأیین کل من لقب بأمریر المؤمنین* عبد علی بن

۵۹. *اعیان الشیعه*، ج ۱، ص ۲۲۶ - ۲۲۷؛ *امل الآمل*، ج ۲، ص ۳۳۶؛ *ریاض العلماء*، ج ۵، ص ۲۵۳ - ۲۵۶؛ *نابغه قفه و حدیث*، ص ۳۲ - ۳۸.

جمعه هویزی (م ۱۰۷۳ق)، تراجم آل ابی جامع علی بن رضی الدین جامعی (زنده ۱۰۹۷ق) و *ایجاز المقال فی علم الرجال* شیخ فرج الله هویزی (زنده ۱۱۰۳ق) از کتب رجال این دوره اند. *طبقات الرجال جامعی و ایجاز المقال* هویزی مهم ترین این کتاب هاست. کتاب جامعی اولین کتاب نوشته شده در طبقات با روایان موثق و ممدوح است. *ایجاز المقال*، کتابی بزرگ شامل تمام روایان اعم از موثق و ضعیف و مجهول به ترتیب الفبایی است که در آن روایان صاحب کتاب و برخی رجالیان بزرگ اهل سنت نیز جداگانه و به ترتیب الفبایی بیان می شوند.^{۶۱}

منتخب التصانیف علی خان بن خلف - که کتب مهم خود را در موضوعات حدیث، تفسیر، فضایل، شعر و ادبیات خلاصه کرده و در یک مجموعه جمع آوری نموده است - و^{۶۲} *تذکره العنوان و عنوان شرف نوشته شیخ فرج الله هویزی* (زنده ۱۱۰۳ق) نیز از این نوشته هاست. هویزی در این دو کتاب مهارت یک دانشمند شیعی را به رخ عالمان اهل سنت کشیده است و در آنها موضوعات مختلف از جمله فقه، کلام، آیات الأحکام، احادیث، منطق، نحو و قافیه و عروض را با رنگ های مختلف نوشته که به صورت افقی و عمودی خواننده شده و قابل تمیز بودند.^{۶۳} *جواهر البهیة فی احادیث الأئمة*، نوشته سید نعمت الله است که در آن، احادیث ائمه - علیهم السلام - را در چهار رکن اصول دین، معجزات و کرامات، آداب و سنن و سیره پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - تقسیم بندی نموده است.^{۶۴} *ترجمه رساله ذهبیه امام رضا - علیه السلام - به فارسی*، یکی از مهم ترین آثاری است که در طب شرعی نوشته شده و در بین محققان شیعه از اهمیت خاصی برخوردار است.^{۶۵} *چهل حدیث نویسی و اجازه* - که از دوره پیشین شروع شده - همچنان رواج دارد.

در حوزه تفسیر، حاشیه بر چند تفسیر شیعه و سنی و نوشتن تفاسیر جدید با گرایش روایی ادبی از فعالیت های نگارشی این دوره است. *تفسیر نور الثقلین عبد علی بن جمعه هویزی* (زنده ۱۰۷۳ق) (تفسیر روایی کامل قرآن با روایات شیعی و اولین تفسیر مأثور جامع شیعه و یکی از مهم ترین تفاسیر روایی در دوره متأخران)، *منتخب التفاسیر علی خان بن*

۶۰. الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.

۶۱. طرائف المقال، ج ۲، ص ۶۴۰ - ۶۴۲؛ فهرستگان نسخه های خطی، ج ۱، ص ۱۵۳.

۶۲. الذریعه، ج ۲۰، ص ۱۰۷.

۶۳. همان، ج ۴، ص ۴۱ - ۴۲ و ج ۱۴، ص ۱۸۰ - ۱۸۱.

۶۴. فهرستگان نسخه های خطی، ج ۳، ص ۳۸۹ - ۳۹۰.

۶۵. «تستری فیض الله عصاره»، ج ۷، ص ۳۰۴ - ۳۰۵.

خلف (زنده ۱۰۸۷ق) (تا سوره الرحمان از تفاسیر شیعه و سنی)، عقود المرجان سید نعمت الله جزایری (از تفاسیر شیعه و سنی) و الوجیز فی تفسیر قرآن العزیز علی بن حسین عاملی هویزی (زنده ۱۱۲۴ق) (تفسیر مزجی کامل با گرایش ادبی با ساده‌ترین الفاظ و عبارات) از مهم‌ترین تفاسیر این دوره به شمار می‌روند.

نتیجه

با بررسی سیر تاریخی حدیث خوزستان از زمان پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - تا پایان دوره صفوی شاهد سه مقطع حدیثی متمایزیم: ۱. دوره متقدمان (پنج قرن اول)، ۲. دوره میانی (قرن ششم تا قرن نهم) ۳. دوره متأخران (دوره صفوی). در این سه مقطع بیش از ۳۵۰ محدث از شیعه و سنی در این منطقه فعالیت داشته‌اند که حدود یک پنجم آنان صاحب کتاب بودند. بیشتر این محدثان متعلق به دوره متقدمان‌اند؛ دوره‌ای که در آن شمار محدثان اهل سنت فراوان‌تر گزارش شده است. در دوره میانی تعداد محدثان، به ویژه شیعیان کاهش یافته و در عصر متأخران با رونق مجدد حدیث، محدثان شیعه رو به فزونی نهادند و فعالیت محدثان اهل سنت به شدت کاسته شد و حدیث در میان عالمان شیعه دوباره رواج یافت. این محدثان (بیشتر، محدثان شیعه) منشأ خلق آثار ارزشمندی در موضوعات مختلف حدیثی همچون مجموعه‌های حدیثی، رجال، فقه الحدیث، تفسیرروایی و غیره بودند. در دوره متأخران حدود یک‌صد و پنجاه محدث در منابع مختلف معرفی شده که ۲۹ نفر از آنان صاحب کتاب و نوشته بودند.

کتابنامه

- الإحتجاج، احمد بن علی طبرسی، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، محمد بن احمد مقدسی، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ش.
- الإختصاص، محمد بن محمد مفید، قم: المؤتمر العالمی للافیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- الاستیعاب، ابن عبدالبراندلسی، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
- أسد الغابة، ابن اثیر، بیروت: دار الکتب العربی، بی‌تا.
- الاصابه، ابن حجر عسقلانی، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

- الأعلام، خير الدين زركلي، بيروت: دار العلم للمالين، پنجم، ۱۹۸۰م.
- اعيان الشيعة، محسن امين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
- امل الآمل، محمد بن حسن حر عاملی، بغداد: مكتبة الأندلس، بی تا.
- إنباء الغمر بأبناء العمر، ابن حجر عسقلانی، بی جا، بی تا.
- الأنساب، عبدالكريم بن محمد سمعانی، تحقيق: عبدالله عمر بارودی، بيروت: دارالجنان للطباعة ونشر والتوزيع، ۱۴۰۸ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، تحقيق: عبد الرحيم ربّانی شیرازی، بيروت: مؤسسة وفا، ۱۴۰۳ق.
- البدايه والنهائيه، اسماعيل بن عمرو بن كثير، تحقيق: علي شيرى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۸ق.
- تاريخ بغداد، خطيب احمد بن علي بغدادى، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۷ق.
- تاريخ طبرى، محمد بن جرير طبرى، بيروت: مؤسسة اعلمى، ۱۹۸۹م.
- تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر، تحقيق: علي شيرى، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۵ق.
- تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والأعلام، شمس الدين ذهبى، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: دارالكتاب العربى، ۱۴۰۷ق.
- تذكرة الحفاظ، شمس الدين ذهبى، بيروت: دار احياء تراث العربى، بی تا.
- تعليقه امل الآمل، ميرزا عبدالله افندى، قم: كتاب خانه آية الله مرعشى، بی تا.
- تكملة امل الآمل، حسن صدر، بی جا، بی تا.
- التهذيب، محمد بن حسن طوسى، تهران: دارالكتب الإسلاميه، ۱۳۶۵ش.
- الذريعه الى تصانيف الشيعة، آقا بزرگ محمد محسن تهرانى، قم: اسماعيليان، بی تا.
- رجال البرقى، احمد بن محمد برقى، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- رجال الطوسى، محمد بن حسن طوسى، قم: انتشارات اسلامى جامعه مدرسين، ۱۴۱۵ق.
- رجال الكشى، محمد بن عمر كشى، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- رجال النجاشى، احمد بن علي نجاشى، قم: مؤسسة نشر اسلامى، پنجم، ۱۴۱۶ق.
- رياض العلماء، ميرزا عبدالله افندى، تحقيق: محمود مرعشى، احمد حسيني، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ق.

- السنن الكبرى، احمد بن حسين بيهقي، بي جا، دار الفكر، بي تا.
- سير اعلام النبلاء، شمس الدين ذهبى، تحقيق: شعيب ارنؤوط، حسين اسد، بيروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳ق.
- صحيح البخارى، بخارى، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، افسس، ۱۴۰۱ق.
- الضوء اللامع فى اعيان القرن التاسع، محمد بن عبدالرحمان سخاوى، بي جا، بي تا.
- طرائف المقال، على بروجردى، تحقيق: مهدى رجايى، قم: كتابخانه آية الله مرعشى، ۱۴۱۰ق.
- الغدير، عبدالحسين امينى، به كوشش: حسن ايرانى، چاپ چهارم، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۳۹۷ق.
- فتوح البلدان، احمد بن يحيى بلاذرى، تحقيق: صلاح الدين منجد، قاهره: مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۵۶م.
- فرهنگ كتب حدیثی شیعه، مدنی بجستانی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۵ش.
- الفهرست، محمد بن اسحاق بن ندیم، تحقيق: رضا تجدد، بي جا، بي تا.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: جواد قیومى، بي جا، مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- فهرستگان نسخه های خطی، صدرایی خویی، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۴ش.
- فیض الإله فى ترجمة القاضى نورالله، جلال الدين حسینی، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۶۷ق.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تهران: دار الكتب الإسلاميه، ۱۳۶۵ش.
- الكامل فى التاريخ، ابن اثير، بيروت: دار صادر للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ق.
- كشف الریبه، شهيد ثانی زين الدين بن على، بي جا، انتشارات مرتضوى، ۱۳۹۰ق.
- كشف الظنون، حاجى خليفه مصطفى بن عبدالله، بيروت: دار احیاء التراث العربى، بي تا.
- مجالس المؤمنین، قاضى نورالله شوشترى، به كوشش: ميرزا محمد على شیرازى، بمبئى، ۱۲۸۷ق.
- مجلة تراثنا، مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۵ق، ج ۲۶، ص ۱۸۳.
- مدارك التنزيل وحقائق التأويل، عبدالله بن احمد نسفى، بي جا، بي تا.
- مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، تحقيق: هاشم رسولى محلاتى، تهران: دار الكتب الإسلاميه، ۱۴۰۴ق.

- مستدرک الوسائل، حسین نوری، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
- مستدرکات اعیان الشیعه، حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
- مسند الامام الرضا - علیه السلام -، عزیز الله عطاردی، مشهد: المؤتمر العالمی الإمام الرضا - علیه السلام -، ۱۴۰۶ق.
- معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۳۹۹ق.
- معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق، بی تا.
- میزان الاعتدال، شمس الدین ذهبی، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ق.
- نابغه فقه و حدیث، محمد جزایری، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- هویة التشیع، احمد وائلی، بیروت: دارالصفوه، سوم، ۱۴۱۴ق.
- «تستری فیض الله عصاره»، حمید رضا گیاهی یزدی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، زیر نظر: غلامعلی حداد عادل، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲ش.